



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

Institute of strategic studies
and defence diplomacy (ISSDD)

گزارش اندیشکده‌ها

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

گزارش هفتگی

پایش مراکز مطالعاتی و اندیشکده‌های راهبردی جهان

شهریور ماه ۱۴۰۱ • شماره پانزدهم

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین‌الملل ودجا

Institute of Strategic Studies and Defence Diplomacy (ISSDD)



گزارش هفتگی

پایش مراکز مطالعاتی و اندیشکده‌های راهبردی جهان

شهریور ماه ۱۴۰۱ • شماره پانزدهم

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین‌الملل ودجا

یادداشت:

■ انتشار مطالب و گزارش‌ها صرفاً در راستای رویکرد تخصصی گزارش در زمینه رصد و پایش محیط امنیتی ج.ا.ایران در بعد راهبردی صورت گیرد.

محور اول: مباحث مرتبط با امنیت ملی و پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران

معامله دیگری با ایران؟ نگاه کردن به عقب و نگاه کردن به جلو

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۴۰۱ با انتشار گزارشی تحت عنوان «معامله دیگری با ایران؟ نگاه کردن به عقب و نگاه کردن به جلو» به قلم جیکوب ناگل و جانان شانزر نوشت:

پس از چندین دور شکست دیپلماسی هسته‌ای در وین و دوحه، مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ (ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین) در وین از سر گرفته شده است. گفتگوهای احیا شده برای اولین بار در اوایل سال جاری و زمانی که تهران چندین خواسته جدید از جمله حذف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی و وزارت امور خارجه را مطرح کرد، برای اولین بار به مشکل برخورد.

باید اذعان کرد که تهران بیش از یک بار ترمز دیپلماسی هسته‌ای را گرفته است. این ناسازگاری نشان داد که رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران شاید اصلاً خواهان توافق نبوده است. در مقابل ممکن است به دنبال طولانی کردن گفتگوها برای پیشبرد برنامه هسته‌ای باشد و در عین حال از تصمیمات خشن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اجتناب کند. با این حال، اخبار اخیر از وین حاکی از آن است یک معامله قریب‌الوقوع به همراه امتیازات بیشتر غرب همراه است.

تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای

برای بیش از سه دهه، تهران، با درجات مختلف شدت، برای توسعه یک برنامه هسته‌ای نظامی تمام عیار فعالیت کرده است. رهبران این کشور با استناد به فتوای اسلامی این موضوع را انکار می‌کنند. در سال ۲۰۱۸ رژیم صهیونیستی با انتشار آرشو نادرک محرمانه هسته‌ای

پایش مراکز مطالعاتی و اندیشکده‌های راهبردی جهان

مقدمه

در گزارش حاضر سعی شده است با بررسی رسانه‌ها و سایت‌های متعلق به مراکز مطالعاتی، اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌های راهبردی و نیز سایت‌ها و نشریات بین‌المللی اهداف زیر محقق گردد:

■ شناسایی نوع نگرش، ارزیابی‌ها و تحلیل‌های ساختارهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر کشورها (به ویژه کشورهای هدف) و نهادهای بین‌المللی از ابعاد و وجوه مختلف قدرت ملی ج.ا.ایران (با تأکید بر بعد دفاعی، نظامی و امنیتی).

■ شناسایی راهبردها، سیاست‌ها، راهکارها و اقدامات مطرح شده که بر محیط امنیتی ج.ا.ایران (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) تأثیر گذار هستند.

■ مروری بر اخبار و اطلاعات راهبردی مرتبط با محیط امنیتی ج.ا.ایران (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی).

■ مروری بر اخبار و اطلاعات راهبردی مرتبط با هندسه قدرت (اعم از نظم امنیتی و روندهای تأثیر گذار در محیط‌های بین‌المللی و منطقه‌ای).

ملاحظات

در فرایند تولید و انتشار گزارش تلاش شده است:

■ تمام مطالب به استناد گزارش‌های منتشر شده از سوی مراکز مطالعاتی و پژوهشکده‌های راهبردی تهیه گردیده و هیچ موردی بدون ذکر منابع اصلی قید نگردد.

■ گزارش‌ها و مطالب متعلق به بازه زمانی انتشار گزارش پیشین با گزارش حاضر باشد، مگر اینکه گزارش یا مطالب حائز اهمیتی که به واسطه محدودیت زمانی یا حجم مطالب، در گزارش‌های پیشین مجال انتشار نیافته است.

یادداشت:

ادعا کرد تهران در صدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است.

یک سلاح هسته‌ای

رژیم صهیونیستی با این ادعا تأکید کرد برنامه محرمانه تسلیحات هسته‌ای ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده و بسیار پیشرفته‌تر از یابایی‌های غرب است.

ایران به عنوان یکی از کشورهای امضاکننده معاهده ان پی تی موظف به محدودسازی جاه‌طلبی‌های هسته‌ای است. با این حال، امضای این معاهده تهران را از ساخت تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم و مخفی نگه‌داشتن آن‌ها از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منع نکرده است. برای اینکه یک کشور به یک کشور در آستانه هسته‌ای تبدیل شود، سه فاکتور کلیدی لازم است: مواد شکافت پذیر (اورانیوم غنی شده یا پلوتونیوم)؛ توسعه یک سیستم تسلیحاتی برای دارای قابلیت انفجار مواد شکافت پذیر؛ و یک سیستم حمل سلاح. هنگامی که یک کشور این مراحل را کامل کرد، دستیابی به سلاح هسته‌ای فقط منوط به اراده سیاسی و زمان‌بندی خواهد بود. در چنین شرایطی، تنها راه جلوگیری از بحران بزرگتر مداخله نظامی یا تغییر نظام آن کشور است.

ایران سال‌ها برای تسلط بر هر سه مؤلفه فوق تلاش کرده است؛ اما پیشرفت آن به صورت خطی نبوده است و در سال ۲۰۰۳ میلادی توسعه تسلیحات هسته‌ای خود را محدود کرد اما به آن پایان نداد، اگر هم امروز در این زمینه فعالیت داشته باشد، احتمالاً تحت پوشش پژوهش‌های آکادمیک و در سطحی پایین است.

با این وجود، جمهوری اسلامی ایران طی ۱۵ سال اخیر به طور پیوسته بر دستاوردهای هسته‌ای خود افزوده است. غنی‌سازی در سایت هسته‌ای نطنز، غنی‌سازی اورانیوم با خلوص ۲۰ درصد و...

بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد چهار دور تحریم‌های هسته‌ای و اقتصادی را علیه این کشور اعمال کرد. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ نیز واشنگتن با اعمال تحریم‌های بیشتر در صدد فلج کردن اقتصاد ایران بود. رژیم صهیونیستی نیز به نوبه خود، اقداماتی را علیه تهران آغاز کرد: یک کمپین نامتقارن «منطقه خاکستری» که دارایی‌های ایران در حوزه قابلیت‌های نظامی هسته‌ای و متعارف تهران را هدف قرار می‌داد.

نگرانی واشنگتن و تهران در مورد حمله نظامی احتمالی رژیم

صهیونیستی موجب تقویت اقدامات بین‌المللی برای دستیابی به توافقی جهت متوقف ساختن برنامه هسته‌ای تهران شد.

موارد متعددی از اقدامات محرمانه برای تعامل با تهران در دهه قبل گزارش شده است، اما اولین تلاش جدی برای مذاکره با ایران در سال ۲۰۱۱ آغاز شد. دولت اوباما به موازات مذاکره با ایران، در راستای تضمین حمایت از رژیم صهیونیستی و اعتمادسازی و اطمینان بخشی به تل‌آویو و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، در دیدار با مقامات صهیونیستی و عرب تأکید کردند که به دنبال یک توافق موقت هستند که ایران آن را رد کرده و در نتیجه اعمال تحریم‌های بیشتر شورای امنیت سازمان ملل را تسهیل می‌کند. تیم اوباما همچنین استدلال می‌کرد که حتی اگر ایران طرح موقت را به طور کامل یا جزئی بپذیرد، توافق نهایی بر اساس محدودیت‌های شورای امنیت سازمان ملل تنظیم شده و خواسته‌های رژیم صهیونیستی را برآورده می‌کند. تل‌آویو ادعا می‌کرد که تنها نتیجه مناسب «صفر - صفر» خواهد بود. تهران نباید تأسیسات غنی‌سازی هسته‌ای یا تحقیق و توسعه در حوزه سانتریفیوژ، پلوتونیوم، راکتورهای آب سنگین و ... داشته باشد.

به موازات این مذاکرات تل‌آویو - واشنگتن، مذاکرات محرمانه بین ایالات متحده و ایران در سال ۲۰۱۲ در عمان آغاز شد که پایه و اساس توافق ۲۰۱۳ را و توافق نهایی ۲۰۱۵ را به وجود آورد. برجام که برخلاف قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت برای اولین بار به ایران اجازه غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد را داد و بدین ترتیب مستقیماً تعهد دولت اوباما به رژیم صهیونیستی را نادیده گرفت. این توافق که برای شش ماه طراحی شده بود، دو سال به طول انجامید و کاهش تحریم‌ها جان تازه‌ای به اقتصاد ایران بخشید.

هشدارهای رژیم صهیونیستی

با انجام مذاکرات، رژیم صهیونیستی گروهی متشکل از کارشناسان اطلاعاتی، نظامی، سیاسیو هسته‌ای را ایجاد کرد و در حالی که طرف مذاکره نبود، این گروه را برای همکاری با قدرت‌های جهانی در حال مذاکره با ایران به کار گرفت. هدف تل‌آویو تأکید بر خطرات و ریسک‌های توافقی بود که نمی‌توانست به طور دائم از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. این گروه با ارائه ده‌ها مقاله فنی به مذاکره‌کنندگان آمریکایی و دیگر کشورها خواستار برچیده شدن تمام

یادداشت:

توافق را پوشش دهد. از زمان نهایی شدن برجام تا سال ۲۰۱۸ (خروج آمریکا از این توافق) ایران غنی‌سازی اورانیوم را افزایش داده و بر تعداد سانتریفیوژهای پیشرفته خود افزوده است. این توافق تهران را از ذخیره‌سازی مواد خام یا تولید سانتریفیوژهای پیشرفته منع نمی‌کرد. این محاسبات خوش‌بینانه در مورد زمان گریز هسته‌ای تهران که توسط حامیان توافق پیش بینی شده بود را تضعیف کرد. ایران به فناوری غنی‌سازی برای جمع‌آوری مواد شکافت‌پذیر کافی دست یافته است. آنتونی بلینکن در آوریل ۲۰۲۲ اعلام کرد زمان گریز هسته‌ای ایران «به چند هفته کاهش یافته است». بنا بر گزارش‌ها، از آن زمان، تاکنون زمان گریز هسته‌ای تهران تقریباً به صفر رسیده است؛ بنابراین بازگشت به توافق اولیه بیهوده است.

شکست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

تصمیم به متوقف ساختن تحقیقات در مورد ابعاد نظامی احتمالی یکی از بزرگترین اشتباهات غرب بود. امروز، تهران اصرار دارد که این موضوع قابل مذاکره نیست و تأکید دارد که تمام تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - جدید و قدیمی - بسته یا لغو شود. بنا بر گزارش‌ها، یکی از مشکلات باقی‌مانده در وین نیز همین موضوع است. صرف نظر از شرایطی که ممکن است در توافق احتمالی حاصل گردد؛ ایران بسیار بیشتر از آنچه قبلاً تخمین زده می‌شد به دستیابی به بمب نزدیک شده است. این موضوع به تنهایی سؤالات نگران‌کننده‌ای را در مورد امکان‌پذیری یک توافق پایدار ایجاد می‌کند که مستلزم نظارت و راستی آزمایی قابل اعتماد است.

بر اساس توافق سال ۲۰۱۵، مقرر گشته بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازرسی‌های بی‌سابقه و سخت‌گیرانه‌ای از سایت‌های هسته‌ای ایران به عمل آورد.

راهبرد ایران

به نظر می‌رسد راهبرد هسته‌ای ایران بر چهار فرض استوار است و این چهار فرضیه نشان می‌دهد که چرا تهران در میز مذاکره هیچ‌گونه انعطافی از خود نشان نداده است. نخست، ایالات متحده آمریکا تحت دولت فعلی اراده‌ای برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ندارد. این دیدگاه یک باور دوم و اشتباه را ایجاد کرده است مبنی بر اینکه

زیرساخت‌های غنی‌سازی ایران و همچنین توقف کامل برنامه تحقیق و توسعه ایران در مورد سانتریفیوژهای پیشرفته بودند. به‌علاوه توصیه می‌کردند تحریم‌ها علیه ایران برای حداقل ۲۰ سال تمدید شود. توصیه‌ها تا حد زیادی مورد توجه قرار نگرفت و دور نهایی مذاکرات در سال ۲۰۱۵ به امضای برجام انجامید.

در پی امضای این توافق ارتباط میان کارشناسان صهیونیستی و مذاکره‌کنندگان آمریکایی قطع شد. تل‌آویو در روز نهایی شدن برجام، بیانیه‌ای مبنی بر رد این توافق صادر کرد و پس از آن کمپینی را برای معرفی خلأها، شکاف‌ها و کاستی‌های توافق ایجاد کرد.

آخرین تلاش برای جلوگیری از اجرایی شدن توافق

دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ از توافق برجام خارج شد و ادعا کرد برای امضای یک توافق جامع‌تر آماده است که تهران آن را رد نمود. این کشور ابتدا با دقت عمل می‌کرد، اما پس از انتخاب جو بایدن به ریاست جمهوری آمریکا و اشتیاق دولت او برای بازگشت به توافق، نقض توافق را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. روسیه، چین و اروپا نقض‌های هسته‌ای ایران را نتیجه خروج یک‌جانبه واشنگتن می‌خوانند، این در حالی است که فاحش‌ترین نقض‌های هسته‌ای ایران پس از انتخاب بایدن بود.

رژیم صهیونیستی در پاسخ بر شدت اقدامات خود افزوده است. به ادعای منابع صهیونیستی اقدامات تل‌آویو مانع از نفوذ نظامی ایران در سوریه شده و تلاش‌های آن برای عرضه مهمات هدایت‌شونده به حزب‌الله را محدود کرده است.

بازگشت به برجام

با وجود جنگ در سایه رژیم صهیونیستی، پیشرفت‌های هسته‌ای این رژیم بازگشت به توافق قدیمی را بیهوده کرده است. پیشرفت هسته‌ای ایران از سال ۲۰۱۵ و به‌ویژه از زمان انتخاب بایدن، فراتر از حد مهار است. این امر نشان می‌دهد که چرا توافق اولیه اشتباه بوده است. اطلاعات به دست آمده از آرشیو هسته‌ای و همچنین اطلاعات جدیدی که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال ۲۰۱۵ به دست آورده‌اند، نشان می‌دهد که برجام نتوانسته است طیف وسیعی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از جمله فعالیت‌های قبل از

یادداشت:

سلاح هسته‌ای باز می‌دارد، باید سه گام کلیدی را در نظر داشته باشد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید تهران را از تولید مواد شکافت‌پذیر و یا داشتن فناوری مورد نیاز برای ساخت بمب منع کند. این موضوع قابل مذاکره نیست. بدون چنین محدودیت‌هایی، ایران ظرف سه تا پنج ماه سلاح هسته‌ای دست می‌یابد.

آمریکا و رژیم صهیونیستی همواره پیشرفت هسته‌ای ایران را برحسب زمان‌های توان گریز هسته‌ای ایران اندازه‌گیری کرده‌اند، اما این مفهوم دیگر مفید نیست. تهران قصد تولید سلاح را ندارد. در عوض، با استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که با سرعت بسیار بالاتری غنی می‌شوند، در تأسیسات زیرزمینی نامعلوم به برنامه هسته‌ای خود را به‌صورت پنهانی پیش خواهد برد.

هر توافق پایداری باید تهران را وادار کند تا در مورد فعالیت‌های گذشته خود شفاف‌سازی کند، تحقیقات در مورد ابعاد نظامی احتمالی را از سر گیرد و به همه سؤالات ناشی از یافته‌های جدید پاسخ دهد. اگر ایران به نقض‌های گذشته خود اعتراف نکرده و تمام فعالیت‌های هسته‌ای قبلی خود را به‌طور کامل افشا نکند، ایالات متحده نمی‌تواند یک توافق ارزشمند منعقد کند.

در نهایت، سیستم‌های تسلیحاتی دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای به‌ویژه موشک‌های بالستیک لازم است مورد بررسی قرار گیرند. ممنوعیت آزمایش موشکی در سال ۲۰۲۳ به‌طور کامل منقضی می‌شود. در چارچوب یک توافق بهتر لازم است که توسعه این موشک‌ها برای همیشه متوقف گردد.

مواضع اخیر ایران و آمریکا

در سال گذشته طی مذاکرات هسته‌ای طرف ایرانی چندین خواسته جدید را مطرح کرده است، اعم از حذف سپاه از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی، تضمین غرامت در صورت خروج مجدد آمریکا از توافق، بستن کلیه پرونده‌های باز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پایان دادن به همه تحقیقات گذشته و حال.

واشنگتن نیز خواسته‌های جدیدی را مطرح کرد: تهران باید متعهد شود که فعالیت‌های خود در خلیج فارس را متوقف کند، به‌ویژه فعالیت‌های سپاه پاسداران در این منطقه را محدود کرده و مستقیم با واشنگتن ارتباط برقرار نماید. عملی بودن چنین اقداماتی مورد تردید است.

رژیم صهیونیستی فاقد توانمندی کافی برای حمله به برنامه هسته‌ای ایران است و بدون حمایت آمریکا حمله نخواهد کرد. سوم، جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که قادر به مقاومت در برابر فشار اقتصادی کنونی واشنگتن که بسیار ضعیف‌تر از تحریم‌های دولت‌های گذشته است، خواهد بود. چهارم، هیچ تهدید داخلی معناداری برای بقای تهران وجود ندارد.

توافق برجام منفی

با توجه به اینکه در حال حاضر مذاکرات در لحظه کنونی و مهمی قرار دارد، نگرانی اصلی تل آویو این است که واشنگتن با یک برجام منفی موافقت کند. طبق گزارش‌ها، کاخ سفید مایل به لغو تحریم‌هایی است بسیار فراتر از امتیازات برجامی است. تیم بایدن پیشنهاد لغو تحریم‌ها علیه هزاران فرد و نهاد از جمله بانک‌های ایرانی، رهبری و افراد نزدیک او را داده است. افزون بر این، راب مالی و تیم او به همراه برخی مقامات اروپایی در حال بررسی راه‌هایی برای انطباق با تقاضای ایران در خصوص حذف نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا هستند.

ارائه امتیازات اضافی به تهران غیرمسئولانه است. ایران در حال غنی‌سازی اورانیم با درصد ۶۰، ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای پیشرفته، ممانعت از دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای و ... است. تهران از برچیده شدن سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که برخلاف توافق ۲۰۱۵ تولید کرده، خودداری می‌کند.

زمان با سرعت در حال گذر است. تا سال ۲۰۲۷، محدودیت‌های برجام در مورد تولید و نصب سانتریفیوژها در مقیاس صنعتی منقضی خواهد شد. در سال ۲۰۳۱ محدودیت‌ها در خصوص نگهداری مواد شکافت‌پذیر و غنی‌سازی منقضی خواهد شد؛ همچنین غنی‌سازی در فردو و ساخت کارخانه‌های جدید غنی‌سازی مجاز خواهد بود. ممنوعیت فرآوری پلوتونیوم، ذخیره آب‌سنگین و ساخت رآکتورهای آب‌سنگین برداشته خواهد شد. بنابراین تهران در موقعیتی قرار خواهد گرفت که قادر به تولید ده‌ها بمب خواهد بود.

به‌سوی توافقی بهتر

اگر دولت بایدن خواستار مذاکراتی است که ایران را از دستیابی به

یادداشت:

عمومی بین‌المللی، به‌ویژه در آمریکا، در مورد خطرات ناشی از ایران هسته‌ای می‌کوشد. از دید تل‌آویو، این رژیم راه درازی در پیش دارد زیرا مردم آمریکا نمی‌دانند یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای، زمانی که به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما دست یابد می‌تواند به تهدیدی برای ایالات متحده تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

احیای گفتگوها و مذاکرات جانبی در وین، واشنگتن را با یک انتخاب جدی روبرو می‌کند. می‌تواند به خواسته‌های تهران تن دهد یا آنکه با برنامه‌ریزی طرحی مشترک با رژیم صهیونیستی و دیگر متحدانش در جنوب غرب آسیا ایران را به‌سوی پذیرش یک توافق جدید و کاملاً جامع سوق دهد. هدف باید مسدود کردن دائمی و قابل راستی آزمایی مسیر تهران به سمت سلاح هسته‌ای باشد. چنین توافقی اعتبار آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در منطقه احیا کرده و از وقوع جنگ جلوگیری می‌کند.

<https://www.fdd.org/analysis/18/08/2022/another-iran-deal-looking-back-and-looking-ahead/>

برجام احیا خواهد شد؟

«فارین پالیسی» در تاریخ ۱ شهریور ۱۴۰۱ با انتشار گزارشی تحت عنوان «برجام احیا خواهد شد؟» به قلم کالم کین نوشت:

مذاکرات برای احیای برجام از ابتدا شروعی نادرست داشت و حالا بعد از ماه‌ها، به نظر می‌رسد که بیش از گذشته به نتیجه نزدیکتر شده، زیرا ظاهراً آمریکا و ایران بسیاری از مشکلاتی را حل کرده‌اند که باعث می‌شد امضای نهایی این توافق به تعویق بیفتد. آخرین نشانه‌های مثبت پس از آن دیده شد که اتحادیه اروپا پیش‌نویس متنی را تهیه کرد و ایران و آمریکا آن را از ابتدای آگوست بررسی کرده‌اند.

اتحادیه اروپا این پیش‌نویس را به‌عنوان متن «نهایی» توصیف کرده است. ایران در ۱۵ آگوست توصیه‌های خود را در مورد این پیش‌نویس فرستاد و جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، آن را در روز دوشنبه «معقول» توصیف نمود و ابراز امیدواری کرد که مذاکره‌کنندگان بتوانند این هفته برای پیشبرد مذاکرات به

جالب توجه است که تلاش‌های ایالات متحده برای دستیابی به یک توافق «طولانی‌تر و قوی‌تر»، همان‌طور که تیم بایدن پس از انتخابش وعده داده بود، پایان یافته است.

نگرانی فوری این است که محدودیت‌های برجام به‌زودی غروب می‌کند. همان‌طور که در توافق اولیه تصریح شده است، در سال ۲۰۲۵ قدرت‌های جهانی مکانیسم «بازگشت فوری» را برای بازگرداندن همه تحریم‌ها در پاسخ به نقض هسته‌ای ایران، از دست خواهند داد.

فرصت دو حزبی

در اوایل سال جاری، ۱۶۵ نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به بایدن تأکید کردند که اگر بایدن نتواند حمایت کنگره در مورد قانون اینارا را به دست آورد، توافق جدید به سرنوشت برجام دچار خواهد شد. این قانون رئیس‌جمهور را ملزم می‌کند که هرگونه توافق جدید مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران برای یک دوره بازنگری ۶۰ روزه به کنگره فرستاده شود. همچنین ۴۹ سناتور جمهوری‌خواه نیز در نامه‌ای دیگر در این خصوص هشدار دادند.

با توجه به تداوم ناسازگاری ایران، دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان باید بتوانند توافق کنند که امتیازات بیشتر ایده بدی است. دموکرات‌های بدبین باید این پیام را به کاخ سفید برسانند که تسلیم شدن در برابر ایران بسیار خطرناک است.

سراختاپوس

انتظار می‌رود رژیم صهیونیستی به‌نوبه خود کارزار نامتقارن خود را تشدید کند و از ابزارها و مهارت‌های یکپارچه آژانس‌های متعدد خود برای تضعیف ایران در عرصه‌های اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی، سیاسی، سایبری و حقوقی استفاده کند. پیام تل‌آویو به تهران صریح بوده است: روزهایی که «سراختاپوس» دست‌نخورده باقی می‌ماند، در حالی که شاخک‌های آن خاورمیانه را بی‌ثبات می‌کرد، گذشته است. رژیم صهیونیستی در چارچوب تغییر راهبردی‌ای که برای اولین بار در راهبرد امنیت ملی دولت بنیامین نتانیاهو بیان شد، تصمیم دارد به‌جای حمله به نیروهای نیابتی، مستقیماً به ایران ضربه وارد کند. این راهبرد از سوی نفتالی بنت و یائیر لاپید نیز پذیرفته شده است.

افزون بر این رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند برای اطلاع‌رسانی به افکار

یادداشت:

وین بازگردند.

آمریکا هنوز نظر علنی خود را درباره این پیش‌نویس اعلام نکرده، اما مقامات آمریکا به برخی تحولات مثبت اشاره کرده‌اند به‌ویژه اینکه ایران از درخواست خود برای حذف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا صرف نظر کرده است. آدرین واتسون، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، گفت که هرگونه گزارشی مبنی بر اینکه ایران در ازای آن امتیازاتی از آمریکا گرفته، «کاملاً نادرست است». بول در سخنان روز دوشنبه خود گفت که توپ در زمین آمریکا است. بول درباره پاسخ آتی آمریکا گفت: «امیدوارم این پاسخ به ما اجازه دهد مذاکرات را به پایان برسانیم. این امید من است، اما نمی‌توانم به شما اطمینان بدهم که این اتفاق خواهد افتاد».

کاخ سفید قبل از رو کردن دست خود در حال رایزنی نزدیک به دیگر طرف‌های غربی توافق و به‌اصطلاح سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا بود. بر اساس گزارش کاخ سفید در روز یکشنبه، جو بایدن، با سه رهبر اروپایی تماس داشته و با اشاره به چالش‌های پیشرو، بر «نیاز به تقویت حمایت از شرکا در منطقه» تأکید کرده بود.

رفع نگرانی‌های رژیم صهیونیستی یک اولویت برای دولت است و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، این هفته با ایال هولندا، همتای صهیونیستی خود، گفت‌وگو می‌کند. به نظر می‌رسد که کشورهای دیگر منطقه نگرانی کمتری دارند. امارات روز یکشنبه اعلام کرد که سفیر خود را به تهران بازمی‌گرداند و این نشان‌دهنده گرمی روابط بین دو طرف بعد از توقف ۶ ساله در روابط دیپلماتیک است.

با وجود اینکه آمریکا در مورد این توافق رازداری می‌کند، اما قیمت نفت به روند کاهش خود ادامه می‌دهد و این به‌واسطه ایجاد چشم‌اندازهایی از توافق جدید است و اینکه به ایران اجازه داده می‌شود تا صادرات نفت خود به سرتاسر جهان را از سر گیرد. هنوز شرایط برای مصرف‌کنندگان خیلی وخیم نشده و می‌توانند با نفت و گاز ایران شکافی را پر کنند که به‌واسطه خروج اجباری روسیه از بازار به وجود آمده است.

دیگران هنوز هم شک دارند. هنری روم از گروه اوراسیا، این مذاکرات را از ۱۸ ماه پیش به این‌سو دنبال کرده و احتمال دستیابی به توافق در سال جاری را بین ۳۵ تا ۴۵ درصد می‌داند. تحلیلگران گل‌دمن ساکس

نیز نسبت به اینکه توافق به این زودی‌ها به دست آید، محتاط هستند. تحلیلگران این بانک هفته قبل نوشتند: «نظر ما همچنان این است که این توافق احتمالاً در کوتاه‌مدت به دست نمی‌آید، زیرا بن‌بستی از منافع متقابل وجود دارد».

<http://foreignpolicy.com/23/08/2022/iran-deal-nuclear-biden-decision/>

محور دوم: مباحث مرتبط با بحران اوکراین

برندگان و بازندگان حمله روسیه به اوکراین

موسسه «رند» با انتشار گزارشی تحت عنوان «برندگان و بازندگان حمله روسیه به اوکراین» به قلم جیمز دابینز نوشت:

تهاجم روسیه به اوکراین، موجب تحقیر آمریکا و متحدانش شد؛ اما تحقیر، احساسی گذرا است و آنچه مهم‌تر است، نتایج اقتصادی و سیاسی در درازمدت است. اشغال اوکراین توسط روسیه طولانی نخواهد بود و هرگونه انتخابات یا سیستم سیاسی در اوکراین در نهایت به اخراج روسیه خواهد انجامید. پوتین این را می‌داند و به دنبال اشغال طولانی‌مدت اوکراین نیست و پس از استقلال دو استان روس تبار و احتمالاً الحاق آنها به روسیه، عقب‌نشینی خواهد کرد. منافع آمریکا اینجا شروع خواهد شد: اولاً اتحادیه اروپا بیش از گذشته به آمریکا وابسته‌تر خواهد شد و فکر رقابت و تقابل با آمریکا را کنار می‌گذارد؛ ثانیاً روسیه با توجه به تحریم‌های آمریکا و غرب، تضعیف خواهد شد و اقتصاد ضعیف روسیه موجب می‌شود مسکو از رقابت استراتژیک با آمریکا را بازماند. ثالثاً با تضعیف روسیه، امکان پیوستن برخی جمهوری‌ها و کشورهای اروپایی به ناتو ممکن می‌شود. آمریکا به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز، از تحریم روسیه چندان زیان نخواهد دید. مهم‌ترین خسارت آمریکا از این بحران، به حاشیه رفتن سیاست کلان مهار چین یعنی قدرتمندترین رقیب استراتژیک آمریکا خواهد بود.

اروپا از طرفی نیازمند نفت و گاز روسیه است و از طرف دیگر امنیت خود را به‌شدت در معرض خطر از جانب روسیه می‌بیند. برای فرار از روسیه باید به دامان آمریکا پناه برد و بیش از گذشته به واشنگتن

یادداشت:

بخش‌های اقتصادی، ایدئولوژیک، اطلاعات، ژئوپلیتیک و نظامی صورت گیرد. اقدامات در هر گروه بررسی شده، ریسک‌های آن مشخص شده و احتمال موفقیت آنها نیز تحلیل شده‌اند. روسیه «نگرانی‌های عمیق» درباره امنیت ملی خود و مداخله غرب و همین‌طور پتانسیل درباره حمله نظامی دارد. البته روشن است که ریشه آن نگرانی‌ها حمایت چندباره خارجیان به روسیه در طول چند صد سال گذشته است. وقتی ملتی ۲۷ میلیون شهروند خود را در جنگ دوم جهانی از دست داد، چگونه می‌تواند نگرانی نداشته باشد؟

اهمیت اوکراین برای روسیه روشن است. آن‌ها تاریخ مشترک دارند و نیکیتا خروشچف اوکراینی بود. اوکراین همچنین مسیر اصلی حمله آلمان نازی به شوروی بود و برخی از اوکراینی‌ها با نازی‌ها همکاری کردند.

آمریکا و متحدانش باید روسیه را در مورد اوکراین تحریک کنند. چگونه؟

اول، بمب‌افکن‌های ناتو را تا نزدیکی اوکراین ببرند.

دوم، سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی (با قدرت نسبتاً پایین) را در اروپای شرقی و در آسیا در نزدیکی روسیه انبار کنند.

سوم، فشار دریایی علیه روسیه را با فرستادن ناوگان آمریکا و ناتو به دریای سیاه افزایش دهند.

چهارم، تمرینات نظامی ناتو را در نزدیکی مرزهای روسیه اجرا کنند.

پنجم، از توافق سلاح‌های هسته‌ای با برد متوسط با روسیه خارج شوند. (همه این موارد در طول ۳ سال گذشته عملی شدند).

اگرچه عضویت اوکراین در ناتو به رأی مثبت همه اعضای آن نیاز دارد که این عضویت را نامحتمل می‌کند، فشار واشنگتن برای عضویت اوکراین هم اوکراینی‌ها را مصمم‌تر به مقاومت در برابر روسیه می‌کند و هم روسیه را برای جلوگیری از آن تحریک خواهد کرد.

منافع آمریکا از این اقدامات چه خواهد بود؟ هرگونه تلفات روسیه و مصرف منابع خود در اوکراین «سود» آمریکا است. اگر حمله روسیه به اوکراین اتفاق افتد (که افتاد)، ممکن است در داخل خود روسیه، مثل شوروی و افغانستان، با مخالفت روبرو شود (که تا حدودی شده است).

<http://www.rand.org/>

وابسته شود. افزایش قیمت نفت و گاز موجب گرانی کالاها در اروپا می‌شود، تحقیر، ناامنی، عوارض جنگ، جا ماندن از قافله چین، آمریکا و آسیا موجب می‌شود اروپا بازنده این جدال باشد. هیچ چشم‌اندازی برای برنده خواندن اتحادیه اروپا وجود ندارد. انگلستان که از اتحادیه جدا شده، کمترین آسیب را می‌بیند و آلمان که رهبر اقتصادی این اتحادیه است و سخت وابسته به گاز روسیه است هم از جانب روسیه و هم از جانب آمریکا (برای پیوستن به تحریم‌ها) تحت فشار و تحقیر بیشتر خواهد بود.

شواهد جدی از مقاومت اوکراین وجود ندارد و ارتش روسیه تا پشت دروازه‌های پایتخت رسیده است. انتظار می‌رود سرنوشتی همانند جزیره کریمه در انتظار دو ایالت اوکراین باشد. نابودی زیرساخت‌های نظامی و ارتباطی فقط بخشی از خسارت‌های این کشور جنگ‌زده است. فرار سرمایه‌ها و رکود اقتصادی، پس از جنگ، از عوارض اشغال این کشور است. حتی اگر روسیه به اهداف موردنظر در دو استان روس تبار شکست بخورد و عقب‌نشینی کند، در دراز مدت، ادعای روسیه بر این دو استان و اختلافات داخلی با روس تبارها و بی‌اعتمادی، از عوارض این مداخله نظامی خواهد بود.

قضاوت درباره برنده یا بازنده نهایی بودن روسیه در این جنگ آسان نیست؛ اما احتمال بازنده بودن خیلی بیشتر است. سرزمین پهناور روسیه نیازی به دو استان کوچک اوکراین ندارد و در صورت موفقیت در الحاق به این کشور، فتح بزرگی محسوب نمی‌شود. بعید است هدف روسیه تحقیر آمریکا و اروپا هم باشد. بهترین چشم‌انداز برای روسیه فقط در کوتاه مدت قابل تصور است. اگر هدف روسیه جلوگیری از گسترش ناتو باشد، اتفاقاً با حمله نظامی امروز به اروپا، سایر جمهوری‌های سابق و کشورهای اروپایی با عزم بیشتری به دنبال عضویت ناتو خواهند رفت و این پیمان نظامی قدیمی و مرده که در برابر تروریسم و کرونا و بسیاری بحران‌های دیگر بلااستفاده مانده است، بار دیگر با این تهاجم نظامی، زنده می‌شود؛ اما حکایت تحریم‌های اقتصادی و بانکی آمریکا و غرب، در درازمدت موجب تضعیف روسیه و به خطر افتادن حکومت پوتین و حتی کنترل سایر جمهوری‌ها و هموار شدن مسیر گسترش ناتو خواهد شد.

هدف آمریکا درباره روسیه باید همان باشد که درباره شوروی بود، یعنی به زیر کشیدن و ضعیف نمودن آن. اقدامات علیه روسیه باید در

یادداشت:

محور سوم: مباحث مرتبط با محیط بین‌المللی

رژیم صهیونیستی و ترکیه چگونه از بازسازی پیوندهای دوجانبه سود می‌برند

«شورای روابط خارجی» در تاریخ ۱ شهریور ۱۴۰۱ با انتشار گزارشی تحت عنوان «رژیم صهیونیستی و ترکیه چگونه از بازسازی پیوندهای دوجانبه سود می‌برند» به قلم استیون کوک نوشت:

دولت ترکیه به این نتیجه رسیده که تنش‌زدایی با رژیم صهیونیستی و قدرت‌های منطقه‌ای به نفع کشورش است زیرا با مشکلات اقتصادی در داخل روبروست و باید بیشتر بر نگرانی‌های اصلی امنیت ملی مانند ملی‌گرایی کرد و روابط با قبرس و یونان تمرکز کند.

بهبود روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه یک دگرش مهم است. در طول ده سال گذشته، روابط دو کشور پرتنش بود. از اوایل دهه ۲۰۰۰، حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه پشتیبان حماس، گروه شبه نظامی حاکم بر غزه بوده است. در سال ۲۰۱۸، در پی کشته شدن ۶۰ فلسطینی در مرز غزه، ترکیه روابط با رژیم صهیونیستی را کاهش داد و سفیر این رژیم را از آنکارا اخراج کرد.

برای رژیم صهیونیستی، برقراری روابط با کشورهای غیر عرب در منطقه جنوب غرب آسیا و اطراف آن همیشه مهم بوده است. ترکیه همچنین برای امنیت ملی رژیم صهیونیستی مهم است، زیرا امکان نظارت دقیق‌تر اطلاعاتی ین رژیم بر ایران را فراهم می‌کند. به علاوه، صهیونیست‌ها امیدوارند که بهبود روابط با ترکیه، حماس را که در دهه گذشته در استانبول حضور داشته و عملیات‌های خود را از ترکیه انجام داده، تحت فشار قرار دهد.

به نظر می‌رسد ترکیه بیش از آنکه به رابطه با خود رژیم صهیونیستی علاقه‌مند باشد به ارتقاء جایگاهش در واشنگتن علاقه‌مند است. ترکیه بر این باور است که گروه‌های طرفدار رژیم صهیونیستی و سازمان‌های مدافع یهودی در رابطه با فروش جنگنده‌های F-۱۶ به ترکیه و سایر مسائل وارداتی به آنکارا کمک خواهند کرد. در اواخر دهه ۱۹۹۰، روابط امنیتی قوی رژیم صهیونیستی و ترکیه از حمایت زیادی در واشنگتن برخوردار شد. از جمله در میان گروه‌های طرفدار اسرائیل و رهبران جامعه یهودیان آمریکا.

یکی از مهمترین پیشران‌های این نزدیکی گاز طبیعی است که رژیم

صهیونیستی در سال ۲۰۱۰ آن را در سواحل خود کشف کرد. اروپا، از جمله بازارهای هدف رژیم صهیونیستی است. مقرون به صرفه‌ترین راه برای انتقال گاز اسرائیل به اروپا از گذر ترکیه است. هر دو کشور در صورت ایفای نقش در کاهش وابستگی اروپا به روسیه برای انرژی، از نظر اقتصادی و دیپلماتیک سود خواهند برد.

رجب طیب اردوغان پس از یک دهه لفاظی‌های بی‌پرده و سیاست‌های تهاجمی در برابر مصر، عربستان و رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسید که موقعیت منطقه‌ای ترکیه در خطر است. در دوره تنش، کشورهای عربی روابط خود را با قبرس و یونان - دشمنان ترکیه در مدیترانه شرقی - ارتقا دادند و ترکیه به شریک راهبردی قطر تبدیل شد.

اردوغان در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ با کارزار انتخاباتی روبرو است، او به دنبال روابط بهتر با دشمنان پیشین خود است به این امید که انجام این کار به بهبود اقتصاد بیمار ترکیه از گذر سرمایه‌گذاری و مبادلات ارزی کمک کند، رابطه با واشنگتن را گسترش دهد و موقعیت ترکیه را در مدیترانه شرقی بهبود بخشد.

در طول سال‌های تنش رژیم صهیونیستی و ترکیه، روابط تل‌آویو با قبرس و یونان به طرز چشمگیری افزایش یافت. همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی عمیق‌تر شد. نیروهای صهیونیستی با همتایان قبرسی و یونانی خود آموزش دیدند. قبرس مشتری سامانه دفاع هوایی گنبد آهنین شد.

صهیونیست‌ها اکنون باید بین منافع ژئواستراتژیک و اقتصادی بالقوه همکاری با ترکیه با روابط توسعه‌یافته اورشلیم با آتن و نیکوزیا، تعادل برقرار کنند. رژیم صهیونیستی تلاش کرده به قبرس و یونان اطمینان دهد که به پیشرفت‌هایی که با این کشورها داشته متعهد است. پیش‌بینی می‌شود حالا که ترکیه روابطش را با عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی بهبود بخشیده، در دریای اژه تهاجمی‌تر عمل کند و پروازهای نظامی و تهاجمات خود نسبت به یونان را افزایش دهد. همچنین ترکیه بیش از سی هزار نیرو در جمهوری ترک قبرس شمالی مستقر کرده است. نهادی هم‌مرز با قبرس که تنها ترکیه آن را به رسمیت می‌شناسد.

<https://www.cfr.org/in-brief/how-israel-and-turkey-benefit-restoring-relations>

یادداشت:

به‌سوی نظام سه‌قطبی دوگانه

«شورای روسی امور بین‌الملل» با انتشار گزارشی تحت عنوان «به‌سوی نظام سه‌قطبی دوگانه» به قلم آندره کوربیکو نوشت:

روابط بین‌المللی در وضعیتی بی‌سابقه قرار گرفته است به‌طوری‌که جهان وارد دوره‌ای از تغییرات پارادایمی در تمامی امور و زمینه‌ها از جمله سیاست، اقتصاد، علوم و فناوری شده است.

تحریم‌های بی‌سابقه غرب به سرکردگی آمریکا علیه روسیه ثابت کرد که منافع اقتصادی تابع مسائل سیاسی شده است، زیرا هیچ منطق اقتصادی در پشتِ تعهد وظیفه‌شناسانه اروپا برای گردن نهادن به درخواست‌های واشنگتن در جدا شدن از روسیه وجود ندارد جز اینکه اروپا به خاطر فقدان استقلال سیاسی قادر نیست به آمریکا نه بگوید! شناسایی روندهای کلیدی ژئوپلیتیک که پدیدآورنده نظم جهانی است همچنین پیش‌بینی خطوط احتمالی ژئواکونومیک در آینده بسیار سخت شده است. در این راستا آنچه برای دنیا واضح شده عبارت است از شروع دوره رقابت میان آمریکا و چین به‌عنوان دو ابرقدرت.

رقابت میان دو ابرقدرت مزبور باعث خواهد شد تا نظم نامتناسب در دنیا شکل بگیرد در حالی که افزایش تعداد قدرت‌های بزرگ [منطقه‌ای] که طبق الگوی نظام سلسله‌مراتبی، زیرمجموعه دو ابرقدرت یاد شده هستند، سبب برقراری موازنه در نظام بین‌الملل میان دو بلوک جهانی خواهد شد. بر این اساس کشورهای نسبتاً کوچک و متوسط، جهت برخورداری حداکثری از استقلال راهبردی، در پائین نظام سلسله‌مراتبی (دو - چند قطبی) قرار خواهند گرفت.

هند و روسیه می‌توانند نقشی منحصر به فرد در چارچوب نظام سلسله‌مراتبی دو - سه قطبی ایفا نمایند. این دو کشور به خاطر تجارب طولانی‌مدت همکاری با همدیگر اینک نیز می‌توانند با بهره‌گیری از مزایای همکاری گسترده، مکمل همدیگر در پیگیری راهبرد استقلال حداکثری در نظام دو - چند قطبی فعلی به‌عنوان دوره انتقالی به‌نظام جدید جهانی باشند. هدف همکاری مشترک هند و روسیه باید شکل‌گیری بلوک جدیدی از جنبش عدم تعهد باشد. پیگیری چنین ایده‌ای می‌تواند پیش‌درآمد به وجود آمدن قطب سوم در نظام بین‌الملل بشود تا بدین‌صورت روابط بین‌المللی از الگوی دو - چندقطبی دور شده و به سمت ایجاد نظام سه‌قطبی هدایت شود.

«سانجای بارو» نویسنده هندی، در مقاله اخیر خود توضیح داده است که شیوه موضع‌گیری هند در قبال حمله روسیه به اوکراین در جهت منحرف ساختن وابستگی بیش از حد روسیه (شریک بین‌المللی هندوستان) به چین بوده است تا بدین ترتیب هند تبدیل به دریچه کاهش فشارهای شرق و غرب علیه روسیه بشود و مسکو بتواند در شرایط نوین بین‌المللی، استقلال راهبردی خود را حفظ کند.

در حالی که قطب‌بندی‌های جهانی در قبال جنگ اوکراین، شانس رهبری مشترک هند و روسیه بر بلوک جدید عدم تعهد را کم کرده و فعلاً در کوتاه‌مدت امکان شکل‌گیری چنین بلوکی منتفی شده است، ولی ظاهراً ایران و روسیه به‌طور مشترک، درصدد شکل دادن به این بلوک تازه در نظام بین‌الملل هستند.

هر چند ۳ کشور ایران، روسیه و هندوستان به دنبال ایجاد قطب سوم [عدم تعهد جدید] در نظام بین‌الملل هستند، ولی فعلاً در میان مدت چشم‌اندازی برای شکل‌گیری بلوک مزبور دیده نمی‌شود زیرا طبق پیش‌بینی «سانجای بارو»، قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا و چین به‌منظور برخورداری شدن حداکثری از استقلال راهبردی‌شان، اقدام به وابسته کردن کشورها به خود و ایجاد بلوک‌های وابسته خواهند کرد. بدین ترتیب علت رویکرد اولیه هند به منطقه اوراسیا روشن می‌شود چنانکه هندوستان قصد دارد رویکردی مشابه با [رفتار روسیه در] اوراسیا را در حوزه ایندوپاسیفیک و به‌طور مشخص نسبت به آ.سه. آن تکرار کند.

هندوستان همان‌طور که توانست مانع از وابستگی بیش از حد روسیه به آمریکا یا چین بشود بر این باور است که می‌تواند مانع از وابستگی کامل آ.سه. آن به هر یک از دو قدرت بزرگ یاد شده گردد. آ.سه. آن به‌عنوان یک تشکل، مایل نیست به‌عنوان شریکی خرد، وابسته به آمریکا یا چین بشود هر چند برخی کشورهای عضو این مجموعه، به‌صورت مستقلانه تصمیم به انتخاب چین یا آمریکا می‌گیرند. وابستگی شدید آ.سه. آن به هر یک از دو قدرت بزرگ آمریکا یا چین سبب تشدید بی‌ثباتی در فضای ژئواکونومیک حوزه ایندوپاسیفیک و در نتیجه پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی برای دوره انتقالی در نظام بین‌الملل خواهد شد. به عبارت دیگر، وابسته شدن آ.سه. آن به یک قدرت بزرگ جهانی باعث خواهد شد تا این مجموعه درست مثل اروپا، به‌عنوان یک بلوک در خدمت یکی از دو قدرت بزرگ جهانی

یادداشت:

<https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/columns/asia-pacific/towards-dual-tripolarity-an-indian-grand-strategy-for-the-age-of-complexity/>

قرار گیرد. در این صورت، راهبرد کلان قدرت‌هایی مثل روسیه و هند (در اتخاذ استقلال راهبردی‌شان) به خطر خواهد افتاد. بر هند لازم است تا بیشترین تلاش خود را به کار گیرد تا در آ.سه. آن نیز همان سیاستی را پیگیری کند که در قبال روسیه اتخاذ کرد تا بدین‌وسیله از یک طرف مانع از وابستگی آ.سه. آن به یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی شود و از طرف دیگر با همکاری روسیه، مبادرت به ایجاد قطب سوم نظام بین‌الملل در اوراسیا و ایندوپاسیفیک نمایند.

تلاش هم‌زمان، جهت ایجاد قطب سوم جهانی در دو منطقه مهم نیمکره شرقی [اوراسیا و ایندوپاسیفیک] در راستای تلاش در جهت ایجاد نظام دو - سه قطبی تعبیر خواهد شد؛ سیاستی که باید راهنمای راهبرد کلان هند در عصر پیچیدگی نظام بین‌المللی باشد.

موفقیت هند در ایجاد قطب سوم جهانی، باعث انقلاب در نظم انتقالی جهانی خواهد شد؛ چون اقدام هند باعث خواهد شد تا این کشور به‌عنوان قایله و مامای تولد نظام چند قطبی عمل کند؛ به عبارت دیگر، نقش هند، منحرف کردن شکل‌گیری نظام دو - چندقطبی به‌نظام دو - سه‌قطبی خواهد بود. اگر بخواهیم چنین نقشی را به‌سادگی توضیح دهیم می‌توانیم بگوییم که هند تنها قدرت بزرگی است که هویت ژئواستراتژیک دوگانه‌ای دارد و از یک طرف به ایندوپاسیفیک و از طرف دیگر به اوراسیا وصل است. هیچ قدرت دیگری در دنیا وجود ندارد که مثل هندوستان هم از استقلال برخوردار باشد و هم از چنین مزیت ژئواستراتژیک پیش گفته؛ بنابراین هندوستان هم‌زمان از ظرفیت هدایت و رهبری دنیا به‌طرف ایجاد نظام سه‌قطبی برخوردار است.

تمامی قدرت‌های ذینفع در دنیا، مایل به شکل‌گیری نظم جهانی چندقطبی هستند زیرا نظم تک قطبی سابق را برای اکثریت مردم روی زمین غیرمنصفانه می‌دانند؛ با این حال اغلب بازیگران، نظم دو - چند قطبی فعلی که متعلق به دوره گذار نظام بین‌الملل هست را نیز جهت بهره‌مند شدن از منافع خود ناکافی می‌دانند. برای تعداد بسیار زیادی از کشورهای دنیا آنچه در روابط بین‌الملل مورد نیاز فوری می‌باشد عبارت است از تسریع در ایجاد و شکل‌گیری نظام سه‌قطبی؛ زیرا این کشورها فرصت‌ها و ضمانت‌های استقلال راهبردی خود را در پرتو شکل‌گیری نظام مزبور می‌دانند.



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
Institute of strategic studies
and defence diplomacy (ISSDD)

آدرس: تهران / سید خندان / خیابان شهید کابلی (دبستان)
ساختمان ولی امر (عج) / طبقه دهم /
انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
info@issdd.ir - ۰۲۱-۸۸۴۶۹۳۲۶